شوخی با کلمات

محمدرضا آل‌ابراهیم

در الفبای زبان فارسی چون مُصوّت‌ها حضور ندارند، در نتیجه در خوانش واژه‌ها دچار نوعی مشکل هستیم. خود به‌خود آشکار است که ۳۳ حرفی که در نوشتن کتاب‌ها و مطالب استفاده می‌شوند، بدون به‌کارگیری حروف صدادار، اصلاً قابل بیان نیستند. در واقع این مُصوّت‌ها هستند که خوانش کلمات و جملات را آسان و روان می‌کنند. برای نمونه کلمه‌ی «ملک» را چگونه می‌خوانید؟ «مِلْک» یا «مُلْک» یا «مَلَک»؟ پس توجه می‌فرمایید که فقط با اِعراب‌گذاری و به‌کارگیری حروف صدادار قابل خوانش و بیان است. وگرنه چه بسا که با جابه‌جایی یک مُصوّت، مفهوم اصلی از دست برود و شنونده‌ی این واژه‌ها، برداشت دیگری داشته باشد.

هم‌چنین در به‌کارگیری علائم نگارشی، باید دقت فراوان داشته باشیم. جمله‌ی معروفی است که همه شنیده‌اید: «عفو لازم نیست اعدامش کنید.» حال با گذاشتن یک «،» مفهوم جمله کاملاً عوض می‌شود و یک نفر از اعدام شدن، نجات می‌یابد یا برعکس به‌جوخه‌ی اعدام سپرده می‌شود. خوب به‌این دو جمله دقت کنید: «عفو، لازم نیست اعدامش کنید.» یا «عفو لازم نیست، اعدامش کنید.» در جمله‌ی اول که «،» بعد از کلمه‌ی عفو آمده است، آن شخص موردِ نظر، آزاد می‌شود و به‌سرِ خانه و زندگی‌اش برمی‌گردد. ولی در جمله‌ی دوم که «،» بعد از عفو لازم نیست، آمده است، طرفِ موردِ نظر را بالای دار می‌برند و به‌زندگی‌اش خاتمه می‌دهند.

یا فرضاً اداره پست، نامه‌هایی که برای «تبریز» است به «نیریز» یا برعکس ارسال می‌کند زیرا فرستادگان نامه، «تبریز» و «نیریز» را به‌گونه‌ای نوشته‌اند که نقطه‌هایش پس و پیش است و درست خوانا نیست.

از این مقدمه که بگذریم، یک سری واژه‌های شبیه به‌هم را انتخاب کرده‌ایم که با گذاشتن یک نقطه‌ی اضافی یا چسباندن دو نقطه به‌هم یا حذف نقطه و ... مفاهیم عوض می‌شود. یقیناً شما هم با بسیاری دیگر از این گونه کلمات آشنایی دارید، اگر لطف کنید و به‌دفترِ روزنامه بفرستید، به‌نام خود شما به‌چاپ می‌رسد.

جا به جایی نقَطه و حروف

آجر = آخر / اَرْد = اَرَد / آفرین = آخرین / اختر = دختر / اَسْتَر = اَشْتَر / انجیر = زنجیر / باک = پاک / بُردم = مُردم / بَرده = بُرده / بَردَه = نَردَه / بَرّه = تَرّه / بَستی = رَستی / بَستی = مَستی / به‌من = بهمن / به‌نام = بهنام / پرید = چرید / پولی = کولی / ترحمی = پرچمی / تَنبل‌تر کیه = تَنبلِ تُرکیه / تیره = نیزه / جَستی = پَستی / جو = جَوّ / جون = چون / چرید = خرید / حَسَن = حُسْن / حیاط = خیاط / خاک = چاک / خان = جان / خبر = بتر / خرد = مرد / خروار = خربار / خنده = حنده / خون = جون / خیره = چیره / خیلی = لیلی / داد = دار / دختر = دفتر / درخت = دختر / درد = دزد / دَشت = رَشت / دِل = وِل / دوید = درید / دیگ = دیگر / رشت = زشت / روز = زور / رَوَم = روم / زرد = درد / زَمان = رُمان / زِنده = رَنده / زود = رود / سَگ = بَگ / سوپ = توپ / سوت = توت / سهراب = مهراب / شیر از = شیراز / طرف = ظرف / غریزه = عزیزه / قِسْم = خَشم / کارد = کادر / کارد = کار / کپر = پکر / کَتاب = کباب / کُلبه = کُلیه / کله = کلمه / کودک = کوچک / کیان = بیان / گربه = گریه / گردم = کردم / گفت = گرفت / گفتار = کَفتار / مَرد = مُرد / مَردُم = مُردَم / مَرکَب = مُرَکَب / مگر = مَکر / مَلک = مَلَک / مُلْک = مَلِک / نَبَست = نیست / نَرده = بَرده / نَرّه = تَرّه / نیریز = تبریز / هر جایی = هرجایی / هستی = مستی / یزد = نزد / یزید = پزید.

واژه‌هایی که اگر برعکس نوشته شوند باز همان کلمه به‌دست می‌آید: ادا، اقا، باب، پاپ، تِست، تَشت، توت، داد، داماد، درد، دزد، دود، رادار، ساس، سپس، سُس، شاباش، شپش، شوش، کتک، کشک، کوک، کبک، کک، کلک، کمک، گرگ، لال، مادام، موم، نان

جمله‌ای که اگر برعکس بنویسیم، باز هم همین جمله است: شکر بترازوی وزارت برکش

کلماتی که اگر برعکس نوشته شود، کلمه‌ی تازه‌ای حاصل می‌شود و معنایی دیگر دارد:

اسب = بسا / امین = نیما / بابک = کباب / تاریخ = خیرات / خرس = سرخ / دامن = نماد / درمان = نامرد / راه = هار / ریش = شیر / زاغ = غاز / سرد = درس / سیر= ریس / شرف = فرش / شوخ = خوش / فیل = لیف / گرم= مرگ / گنج = جنگ / مرد = دِرَم.

طرح: عصرمردم

جدول شماره ۹۴/۷۷۱

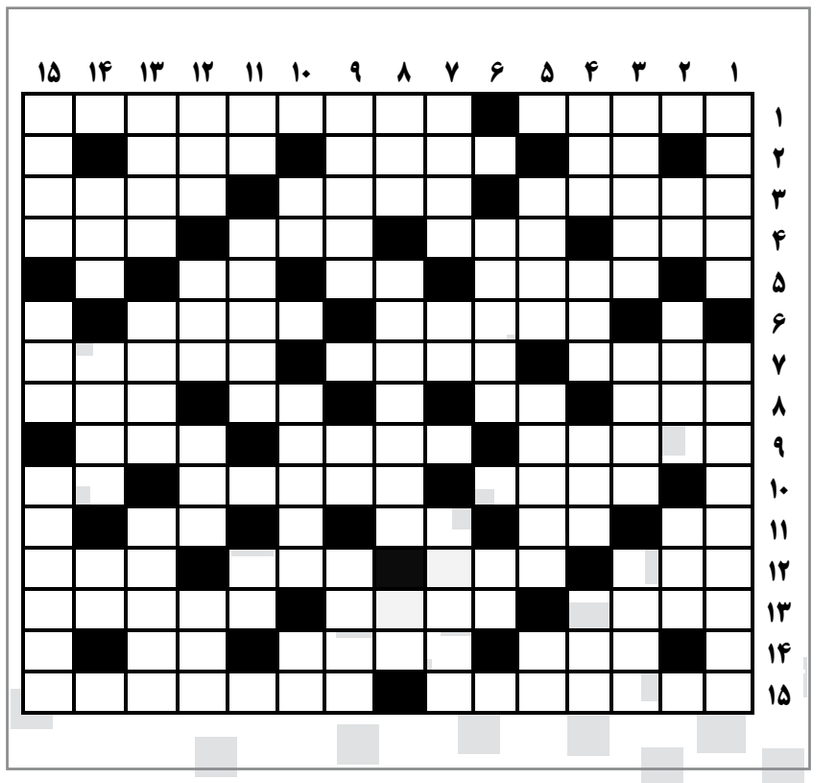

افقی:

۱-زیان- اثری از عطار نیشابوری
۲-از توابع تهران- سوغات تابستان- شایسته
۳-دفتر عکس- از حرکات موزون- سعی
۴-به عربی یعنی مال ما- یک چهارم- آماس- گوسفند
۵-شرکت پرداخت کننده خسارت- مکمل شلوار- پروردگار
۶-دانش بی‌پدر و مادر- برادر ناتنی رستم
۷-لقب امام پنجم شیعیان- مخفی- از مشاغل قضایی
۸-خورشید- شاه کوچک شده- مایه حیات- وقتی برای شادی
۹-پیشگاه ساختمان که جلو آن باز است و سقف دارد- نام دیگرش آهو دوستک صحرایی است- عصبانیت
۱۰-از قیدهای تأکیدی- شاخه‌ها- صفحه اینترنتی
۱۱-مذکر- از غلات- یکصد مترمربع- ناپیدا
۱۲-فرمان- بازی- پیکر مرده- روز
۱۳-در رنگسازی کاربرد دارد- به جرمش رسیدگی می‌شود- از شهدای بزرگ جنگ تحمیلی
۱۴-پیغمبر- بر چهره می‌زنند- راه بی‌پایان
۱۵-ستیز و دلیری- نام قدیمی ممسنی و رستم

عمودی:

۱-شرمندگی- شیرازی‌ها به چایی می‌زنند
۲-حرف نفی ابد در عربی- سرباز نیروی دریایی- کد
۳-بالادست رعیت- از توابع کردستان- نگه دارنده تایر
۴-از خودروهای تولید داخل- آسانی- ارزش- خبر
۵-بخش اصلی فشنگ- سرحال- از حروف انگلیسی
۶-دستاویز- عموی عرب
۷-معروف‌ترین چهار ضلعی- عدد خیطی- تن در آب شستن
۸-ظاهر ساختمان- در کتابخانه کار می‌کند- تکرار آن صدای گریه است
۹-اولین پادشاه یهود- خاموش- دلفریب و افسون‌کار
۱۰-از صفات مبهم- چوبی سخت و محکم- رایحه
۱۱-بن مضارع از مصدر آوردن- نفیس- خرس آسمانی
۱۲-کویری در ایران- مخزن بنزین خودرو- اسب- رود مرزی
۱۳-خواستار- گروهی خونخوار و سلفی- محل دیدار
۱۴-قلعه- از مرکبات- حرف زیادی
۱۵-بن- میخ- از شهرهای افغانستان

جواب جدول شماره ۹۴/۷۷۰

	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۱	ت	ر	چ	م	ه	■	چ	س	ت	ج	و	ک	ر	د	ن
۲	ا	■	س	ن	■	س	م	ن	و	■	ن	ا	ی	■	ی
۳	ب	ی	ت	ا	■	ب	ی	د	ک	ی	■	ر	خ	ا	م
۴	ا	ر	ا	■	د	ک	ل	■	ا	ل	ت	■	ت	ر	ا
۵	■	ن	ر	و	ب	ا	■	چ	ر	■	ا	ش	■	ک	■
۶	■	ک	■	ب	و	ر	ی	ا	■	خ	ر	و	ش	■	د
۷	س	م	و	ر	■	ب	ا	ل	ه	■	ی	ک	ب	ا	ر
۸	ی	ا	ل	■	ن	ب	■	ی	خ	ا	■	د	ب	ر	■
۹	ن	ن	ک	ی	ن	■	و	ن	و	س	■	م	ر	ز	■
۱۰	م	■	ا	م	ی	ن	■	و	ا	ق	ع	■	ی	■	ا
۱۱	ا	ا	■	ن	ا	د	■	س	■	ا	■	ن	س	■	س
۱۲	س	م	ک	■	ن	ی	ل	■	خ	ط	■	م	ن	م	ت
۱۳	غ	م	ا	د	■	خ	ا	و	ر	■	ر	پ	س	ی	ا
۱۴	د	■	ر	ا	د	ل	ی	و	ن	■	م	ا	■	■	ن
۱۵	ی	ا	د	و	ا	ر	ه	■	چ	و	ا	ه	ر	د	ه

سودوکو

جدول شماره ۹۴/۲۴۵

9	2			4		3		8
	7	1	8			4		6
			5					9
6	9		1	5				
1			3		8			5
				9	4		2	7
5					1			
7		4			5	6	3	
2		6		3			9	1

جواب جدول شماره ۹۴/۲۴۴

2	9	1	5	8	6	4	7	3
3	8	7	9	4	1	5	2	6
5	4	6	2	7	3	1	8	9
7	2	9	1	6	8	3	5	4
4	1	5	3	2	9	7	6	8
8	6	3	4	5	7	9	1	2
1	7	4	8	3	2	6	9	5
9	3	2	6	1	5	8	4	7
6	5	8	7	9	4	2	3	1

شیوه حل جدول سودوکو

یک سودوکوی معمولی دارای ۹ ستون عمودی و ۹ ردیف افقی است که توسط خطوط پررنگ‌تر به ۹ جعبه ۳ در ۳ تقسیم شده است.

تعدادی از خانه‌ها در این جدول دارای عدد هستند و وظیفه شما این است که خانه‌های خالی را پر کنید طوری که هیچ عددی در یک ستون، ردیف و جعبه تکرار نشود.

اعدادی که در هر ردیف و ستون قرار می‌گیرد از عدد ۱ تا ۹ را شامل می‌شود و نباید تکراری باشند.

آشنایی با قرآن

متفکر شهید استاد مرتضی مطهری

تفسیر سوره فجر

یادم می‌آید طلبه‌ای بود که به سیگار و چای خیلی عادت داشت. شب‌های ماه رمضان اصلاً نمی‌خوابید. بعد از طلوع صبح حدود آفتاب می‌خوابید تا نیم ساعت به غروب. نیم ساعت به غروب بیدار می‌شد و نماز ظهر و عصرش را می‌خواند. آخر ماه که می‌خواستند شهریه بدهند متصدی شهریه به او گفت: من تو را غایب می‌نویسم، تو ماه رمضان خواب بودی و اصلاً اینجا نبودی.

برخی از مردم اصلاً در بعضی وقت‌ها حضور ندارند. خواب برادر مرگ است و نیمه مردگی است. اگر کسی در تمام عمرش بین‌الطلوعین خواب باشد، در واقع اصلاً در عمرش بین‌الطلوعین ندارد.

کسی هم که ده شب ذی‌الحجه بگذرد و برای او شب‌های دیگر هیچ فرقی نداشته باشد پس اصلاً چنین ده شبی ندارد. بنابراین در این آیه قسم به ده شب چنین شخصی نمی‌خورد، بلکه قسم به ده شب کسانی می‌خورد که این ده شب را دارند.

و الشفع و الوتر سوگند به جفت و سوگند به طاق. خود آیه بیان نمی‌کند که مقصود از جفت و طاق چیست و حتی بعضی از مفسرین احتمال داده‌اند که یک معنای اعمی مقصود باشد که شامل خیلی چیزها بشود.

مقصود از «شفع و وتر» در آیه

در اینکه مقصود از شفع و وتر چیست، احتمالات زیادی ذکر شده که همه هم فی حد ذات‌ها درست است. یکی اینکه مقصود از شفع و وتر همین نماز شفع و وتر است که در نافله شب داریم.

نافله شب مجموعاً یازده رکعت است که هشت رکعتش همین عنوان نافله شب را دارد و بعد از این هشت رکعت، دو رکعت به نیت خاص نماز شفع خوانده می‌شود و یک رکعت در آخر به نیت نماز وتر. «وتر» یعنی تک، «نماز وتر» یعنی نماز تک رکعتی.

و الشفع و الوتر سوگند به آن نماز دو رکعتی و آن نماز یک رکعتی آخر شب. این هم فقط شامل افرادی می‌شود که چنین نمازی دارند.

بعضی از مفسرین قدیم مثل مجمع‌البیان در اینجا احتمال خوبی داده‌اند و آن این است که مقصود از «وتر» خود خداست که طاق واقعی است و به هیچ معنا جفت نیست و [مقصود از «شفع» مخلوقات است که] هر مخلوقی جفت و دوتاست.

منتها هر عالمی از جنبه‌ای موجودات را دو تا می‌بیند، و واقعاً هم دو تا هستند؛ مثلاً فلاسفه می‌گویند هر موجودی غیر از خدا دارای ماهیتی (یعنی چیستی) و وجودی (یعنی هستی) است و فقط خداست که هستی و چیستی در او یکی است.

یا علمای طبیعی می‌گویند: بیشتر اشیاء جنبه مثبت و منفی دارند. پس «و الشفع و الوتر» یعنی قسم به کائنات، قسم به خالق و مخلوق.

احتمال دیگری که در اینجا داده‌اند و احتمال خوبی است این است که اصلاً مقصود از جفت و طاق خود همین مفهوم جفت و طاق است، یعنی عدد. هر عددی یا جفت است یا طاق.

یکی از بزرگترین نعمت‌ها که انسان به وسیله آن می‌تواند عالم را درک کند این است که می‌تواند اعداد را بشناسد و جفت و طاق اعداد را از یکدیگر تمیز بدهد. همه احکام اعداد از طاق و جفت پیدا می‌شود و تا طاق و جفت شناخته نشود این همه نسبت‌هایی که در اعداد هست که پایه ریاضیات است شناخته نمی‌شود.

پس سوگند به جفت و طاق یعنی سوگند به عدد، که درک عدد برای انسان یک نعمت بسیار بزرگ است.

ولی به قرینه دو آیه قبل و آیه بعدی همان احتمال اول از همه قوی‌تر است، یعنی سوگند به نماز شفع و نماز وتر. البته در اینجا احتمال دیگری هم داده‌اند که احتمال خوبی است و آن این است که مقصود از شفع و وتر بعضی از روزهای همان ده روز اول ذی‌الحجه (و لیال عشر) است. سه روز از این ده روز وضع خاصی دارد: روز ترویه که روز هشتم است و به حساب عدد، جفت است، روز عرفه که روز نهم است و طاق است و روز عید قربان که روز دهم است و باز جفت است.

ظاهراً در روایات اهل تسنن بعضی گفته‌اند رسول اکرم(ص) فرموده‌اند «مقصود از شفع روز ترویه است و مقصود از وتر روز عرفه» و بعضی دیگر گفته‌اند ایشان فرموده‌اند «مقصود از شفع روز نحر (یعنی عید قربان) است و مقصود از وتر روز عرفه». در میان این ده روز، روز عرفه و روز نحر فوق‌العاده با فضیلت‌اند و روزهای عجیبی هستند.

ادامه آیات

و الیل اذا یسر. سوگند به شب آنگاه که حرکت می‌کند، سیر می‌کند. اینجا «سری» است که با «سیر» یک معنا دارد، منتها «سیر» را، هم درباره روز به کار می‌برند و هم درباره شب، ولی «سری» را در خصوص شب. «شب آنگاه که در حال رفتن است» یعنی از نیمه شب به بعد. آن وقت مفاد این آیه با آیه «و اللیل اذا ادبر» (قسم به شب آنگاه که پشت کرده) یکی شود. از اول شب تا نیمه شب مثل این است که شب به انسان رو آورده [و از نیمه شب به بعد مثل این است که شب در حال رفتن است.] اگر فوجی را ببینیم که می‌آیند و از کنار ما رد می‌شوند، تا وقتی که این فوج به نیمه برسد می‌گوییم «دارند می‌آیند» و از نیمه به بعد می‌گوییم «دارند می‌روند».

اینجا باز سوگند به نیمه دوم شب است که ما به آن «سحر» می‌گوییم که وقت همین نماز نافله شب و نماز شفع و نماز وتر است. سوگند به این وقت خورده است.